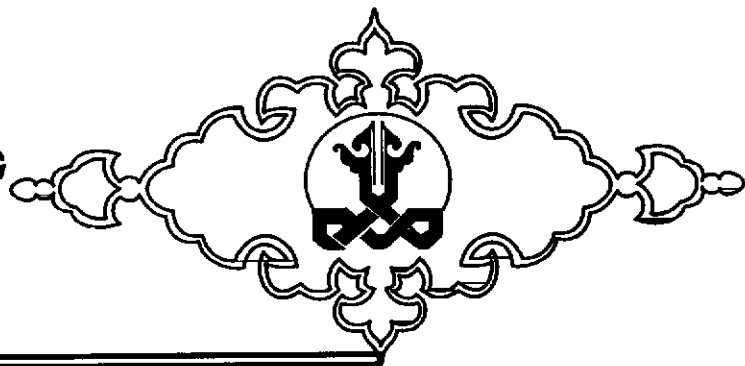


# عهدنامه حضرت علی علیه السلام

## با مسیحیان\*



ندا صالح - پژوهشگر

(\*) این مقاله قسمتی از یک کار علمی گروهی است که مؤلف محترم نیز در آن گروه عضویت داشته است.

### 1) Scroll

### 2) Pact

۳) حزقیل (حزقل): او پسر بوزی کاهن بود که در یهودیه متولد گردید و حدود بیست و دو سال (۵۹۵-۵۷۳ ق.م.) در اورشلیم نبوت نمود... (لغت نامه دهخدا، ذیل حزقیل) و (قاموس کتاب مقدس، جیمز هاکس، ص ۳۲۰)

دبر حزقیل در چهار فرسخی شمال نجف واقع است و به همان مسافت در جنوب حله بر ساحل شعبه‌ای از فرات، در اراضی بابل قدیم و از قدیم‌الایام تاکنون زیارتگاه طوایف یهود بوده‌است و قبور جمعی از انبیای بنی اسرائیل بزعم یهود که ظاهراً از بقایای بابل‌اند که همانجا مدفون شده‌اند در آنجاست (بیست مقاله، علامه قزوینی، ج ۱، ص ۱۳۱)

۴) ذوالکفل: نام یکی از انبیاء بنی اسرائیل از ذریه ابراهیم، نام او دو بار در قرآن آمده است: «و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل کل من الصابرين» (۸۵/۲۱) «و اذکر اسماعیل و البسع و ذوالکفل کل من الاخيار» (۴۸/۳۸) بعضی گویند او انیاس است و برخی گویند زکریاست و پاره‌ای گویند حزقیل است... (لغت نامه دهخدا)

جنبه‌های گوناگون مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند؛ این اسناد که به اشکال مختلف و با توجه به ضرورت زمانی، مکانی و قومی خاص خود تهیه می‌شوند، همواره اطلاعات سودمندی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند.

از جمله این اسناد عهدنامه‌هایی است که در طول تاریخ بطور اعم و در تاریخ اسلام بطور اخص میان افراد، قبایل و زمامداران حکومت با مردم و غیره منعقد شده است؛ عهدنامه‌هایی چون عهدنامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اهل نجران در قرن دهم هجری و یا عهدنامه حضرت علی علیه السلام با مالک اشتر نخعی.

در این میان به سندی تاریخی برمی‌خوریم که اخیراً از سوی «مؤسسه فرهنگی هنری گلمر» به چاپ رسیده است. متن این عهدنامه بر روی طوماری نوشته شده که در موزه کاخ چهلستون اصفهان موجود است.

### تاریخچه طومار

طومار مذکور استنساخ عهدنامه‌ای است منسوب به امیرالمؤمنین علی علیه السلام که آن حضرت با مسیحیان جنوب عراق در محل دیر حزقیل علیه السلام ۳ - ذوالکفل ۴ -

### چکیده:

در میان آثار فرهنگی کشورمان در موزه کاخ چهلستون اصفهان «طوماری» موجود است که قدمت تاریخی دارد و نسخه‌ای خطی است. این طومار، سند عهدنامه حضرت علی علیه السلام با مسیحیان می‌باشد.

مقاله حاضر به معرفی «طومار»<sup>۱</sup> و «عهدنامه»<sup>۲</sup> مزبور بطور جداگانه می‌پردازد؛ طومار را از نظر تاریخچه، خط، کاغذ، مرکب، تحشیه و مرمت و عهدنامه را از نظر متن، کاتب، سندیت و دیگر موارد بررسی می‌کند.

مقاله در ادامه، به ذکر عناوین مقالاتی که درباره «طومار» و «عهدنامه» مطالبی نوشته‌اند، می‌پردازد. در پایان نیز ضمایمی مرتبط با موضوع مقاله آورده می‌شود.

### کلید واژه‌ها:

تاریخ، طومار، عهدنامه، حضرت علی علیه السلام، مسیحیان

اسناد تاریخی در طول زمان، از

منعقد کرده‌اند.

این عهدنامه بصورت طوماری بطول شش متر و هشتاد و هفت سانتی‌متر و به عرض سی و پنج و نیم سانتی‌متر می‌باشد، و تحت عنوان شماره ۹۸ به ثبت اموال فرهنگی موزهٔ چهلستون اصفهان رسیده است.<sup>۱</sup>

نسخهٔ موجود در موزه، اولین استنساخ می‌باشد که در تبریز به سال ۴۴۵ (ه.ق) صورت پذیرفته است و در سال ۱۲۲۱ (ه.ق) دومین استنساخ آن به دستور فتحعلی شاه قاجار و با خط کوفی به دست «احمد شاملو»<sup>۲</sup> انجام پذیرفته است که هم اکنون در مجموعهٔ شخصی ایشان موجود می‌باشد.

همانطور که اشاره شد، این طومار نسخه‌ای استنساخ شده از متن اصلی «عهدنامه» می‌باشد. و اینکه چه زمانی طومار به تبریز و چگونه از آنجا به اصفهان رسیده است، خود جای تأمل دارد؛ به هر حال در این باره منبعی در دست نیست. لیکن عبدالحسین سپنتا اشاره‌ای به تاریخچهٔ طومار کرده می‌گوید: «آنچه مسلم است این طومار با دو قرآن خطی روی پوست، منسوب به حضرت امام حسن علیه السلام و فرقه‌ای منسوب به شیخ صفی‌الدین اردبیلی - جد سلاطین صفویه - از سالیان دراز در اصفهان موجود بوده، در محل چهلستون نگاهداری می‌شده است. هیچ بعید نیست که طومار مورد بحث که ترجمهٔ ترکی آن در ذیل آمده، در زمان صفویه از طرف سلاطین عثمانی به یکی از پادشاهان آن سلسله تقدیم شده باشد و یا از زمان قراقیونلو یا آق قویونلو باشد.

عبدالحسین سپنتا سپس می‌گوید: در سال ۱۳۰۱ شمسی در اولین سفری که به اصفهان کرده‌ام، در باغ مرحوم استاد محمد جعفر درویش زرگر که از هنرمندان مشهور اصفهان بود، این طومار و خرقه و قرآنهای خطی را زیارت کردم؛ در آن موقع متولی و نگاهبانی که اشیاء فوق در اختیار او بود، به عنوان زیارت، اشیاء مزبور را به منازل می‌برد و انعامی می‌گرفت. بنابراین ثابت است که قبل از تأسیس موزه در اصفهان، اشیاء فوق وجود داشته است. در سال ۱۳۰۵ شمسی در جراید<sup>۳</sup> تهران راجع به کشف این اشیاء در اصفهان خبری منتشر گردید که اشیاء مزبور را از لحاظ تاریخی و دینی دارای ارزش زیادی قلمداد می‌کرد.<sup>۴</sup>

### خط طومار<sup>۵</sup>

طومار مذکور با خط کوفی<sup>۶</sup> بسیار زیبا و خوانا نگارش شده است که در ذیل هر سطر به منظور حفظ متن، زیرنویسی به خط نسخ<sup>۷</sup> مایل به ثلث<sup>۸</sup> و به رنگ قرمز به متن اصلی اضافه گردیده و در عصر صفویه در تبریز ترجمهٔ ترکی آن نیز در ریز خط نسخ با رنگ مشکی نگارش یافته است.

طومار موجود که اولین استنساخ سند می‌باشد، به خط کوفی شرقی ایرانی بوده که در قرن پنجم به دست توانای کاتبان این دوره نگاشته شده است. شایان ذکر است که خط کوفی این عهدنامه بسیار درست و با زاویه و انحناهای خاص تحریر شده است. نقطه‌گذاری این خط به شیوهٔ خلیل بن احمد فوایدی<sup>۹</sup> (متوفی ۱۷۵ ه.ق) و فاقد اعراب می‌باشد.

در خط کوفی این طومار، الف‌ها بلند و افراشته و راست بوده و شکل تمامی حروف نظم و حالت هندسی بیشتری به خود گرفته است و از لحاظ نگارشی با شیوهٔ نگارشی آثار کتابتی قرون اولیه متفاوت است.

شیوهٔ خطی این اثر به شیوهٔ عثمان بن

(۱) بنگرید به: آثار ملی اصفهان، رفیعی

مهرآبادی، ص ۳۱

(۲) خطاط و خوشنویس معاصر که هم اکنون در قید حیات نمی‌باشند و نسخهٔ تهیه شده توسط ایشان، اینک در دست نوادگان ایشان موجود است.

(۳) از جملهٔ این جراید، مجلهٔ ایرانشهر بود که

مرحوم کاظم زاده در سال ۱۳۰۵ در شمارهٔ ۷، ص

۴۲۸ مقاله‌ای تحت عنوان «اشیاء مقدسهٔ

اصفهان» از این اشیاء یاد کرده است.

(۴) بنگرید به: عهدنامهٔ منسوب به حضرت

علی (ع) در موزهٔ چهلستون اصفهان: عبدالحسین

سپنتا، ماهنامهٔ وحید، شمارهٔ ۹، ص ۲۱

(۵) لازم به ذکر است که موارد خط طومار،

مرکب طومار و کاغذ طومار نظرات جناب آقای

دکتر ضایع، متخصص خط‌شناسی در میراث

فرهنگی کشور می‌باشد.

(۶) جهت آشنایی با این رسم الخط بنگرید به:

تعلیم خط، فضاییلی، ص ۲۸۷؛ نمونه‌ای از طرز

نگارش حروف الفبای این رسم الخط و خط

نسخ در ضمائم مقاله آورده شده است.

(۷) همان منبع، ص ۲۹۶

(۸) همان منبع، ص ۲۸۸

(۹) جهت آشنایی با زندگانی این شخص بنگرید

به: الاعلام، زرکلی، ج ۱، ص ۲۹۶ و لغت‌نامهٔ

وزاق شبیه می‌باشد و چیزی می‌باشد که سبب زیبایی شیوه این اثر منحصر بفرد گردیده است، وضع ترکیب حروف آن است که به نسبت متضاد حاصل شده است، چنانکه در برابر حروفی که با تمام قلم کتابت شده دنباله کوتاه و باریک آنها قرار گرفته یا به واسطه قامت بلند الف از هم مجزا گردیده است.

### مربک طومار

مربک نگارش این طومار، مربک بغدادی است که همانند مربک چین سیاه، براق و روان می‌باشد. این مربک بر پایه مربک ابن مقله<sup>۱</sup> ساخته شده است. در نوع خود بهترین مربک است چراکه اگر مکتوبی که با آن نوشته شده باشد، در آب بیفتد، نوشته آن تغییر نمی‌کند و از بین نمی‌رود.<sup>۲</sup>

### کاغذ طومار

کاغذ طومار سمرقندی است که مصاحف قدیم را بر روی آن می‌نوشتند، ساخت این نوع کاغذ از قرن سوم هجری در سمرقند رایج شد و روز بروز به تکامل و کیفیت آن افزوده گردید. این کاغذ به کاغذ چینی، هندی و خراسانی نیز معروف بوده است.

کاغذ این طومار، کاغذی است بدون جرم، فاقد پرز، آهارپذیر، مهره‌پذیر، مرکب را پخش نمی‌کنند و رنگ‌پذیر، صاف، نرم و دارای ضخامت لازم. نوع آهاری که در روی این کاغذ به چشم می‌خورد، آهار صمغ عربی یا «انگم» است.

### تحشیه طومار

این سند دارای تحشیه نگاریها و دستخطهای مختلفی از علمای بزرگ تاریخ اسلام و رجال معاصر می‌باشد. در سالهای گوناگون (۱۱۲۸-۱۱۲۶-۱۱۱۵ هـ.ق) علما و دانشمندان اسلامی - بویژه ایرانی - این سند مهم تاریخی را دیده و مهمور نموده‌اند؛ از جمله این افراد می‌توان از محمدباقر موسوی زنجانی، حاج شیخ محمدباقر بن محمدتقی، سید احمد نوربخش، حاج شیخ مهدی سلطان المتکلمین و حاج میرزا باقر سلطان العلماء نام برد.

در پایان نوشته طومار، تأیید نسخه برداری توسط نه نفر به اسامی زیر انجام پذیرفته: محمد بن محمد بن عبدالرحمن ملقب به خشاب، الشیخ المسمما بالمفضل ابن عبد الرزاق، محمد بن محمود بن الحسين الحمیری، حیدر بن سهل بن محمد المعروف بالجعفری، احمد بن الحسين بن علی، علی بن مظهر بن علی الأمین، عبدالعزیز بن طاهر بن علی، تاج الدین ابراهیم ابن یوسف الهرازی ابن محمد، مظفر احمد بن المظاهر المعروف بالبرمکی.

### مرمت طومار

این طومار در موزه کاخ چهلستون اصفهان در طول سالهای گذشته به دست مرمت کاران مختلف ترسیم شده است که آخرین مرمت آن در سال ۱۳۲۳ (ه.ق.) بوده است.

### ترجمه فارسی عهدنامه

متن کامل ترجمه فارسی عهدنامه در

ضمایم آورده شده است.

### کاتب عهدنامه

در انتهای عهدنامه نام کاتب صراحتاً هشام بن عتبه بن الوقاص آمده است. علامه قزوینی<sup>۳</sup> (متوفی ۱۳۶۸ هـ.ق) در مورد کاتب عهدنامه چنین می‌گوید: «هشام مذکور از شهر مشاهیر اصحاب امیرالمؤمنین علی (ع) و صاحب رایت<sup>۴</sup> آن حضرت در جنگ صفین بود و برادرزاده سعدوقاص می‌باشد و مشهور در نام او هاشم است نه هشام، چنانکه در این عهدنامه است.»<sup>۵</sup>

بنابر تحقیقات، نام هشام بن عتبه بن الوقاص در هیچ کتابی از کتب رجال و اعلام نیز یافت شدنی نمی‌باشد.<sup>۶</sup> در اثبات قول عالمه قزوینی باید گفت که نام هشام بن عتبه بن الوقاص و شرحی از زندگی او در برخی از کتب تاریخی و یا رجال وجود دارد که در ذیل به برخی از اقوال آنها اشاره می‌شود:

«هاشم بن عتبه بن الوقاص - المرقال»<sup>۷</sup>

(۱) برای اطلاع بیشتر از ترکیبات این نوع مرکب

بنگرید به: تعلیم خط، فضایی، ص ۳۷۰

(۲) همان منبع، ص ۳۷۱

(۳) جهت اطلاع از زندگی ایشان رجوع شود به:

لغت نامه دهخدا

(۴) پرجم، علم

(۵) بیست مقاله، علامه قزوینی، ج ۱، ص ۱۳۱

(۶) در مورد زندگینامه این فرد به الأعلام، ایمان

الشیعه، دایرة المعارف الشیعیة العامة، اختیار معرفة

الرجال و غیره مراجعه شد، ولی در هیچ کدام

مطلبی یافت نشد.

(۷) تیزرو، تندرو

پسر برادر سعد بن ابی الوقاص است او از اصحاب رسول خدا بود که در روز فتح مکه اسلام آورد، و از پهلوانان جنگ یرسوک بود و در جنگ قادسیه نیز شرکت داشت، او در فتح جلولاء نیز حضور داشت و در جنگهای جمل و صفین به همراه حضرت علی علیه السلام جنگید.<sup>۱</sup>

«هاشم بن عتبة بن الوقاص ملقب به سرقال پسر برادر سعد بن ابی الوقاص بود و در جنگهای بسیاری همراه حضرت علی علیه السلام جنگید، از جمله در واقعه یرسوک، فتح دمشق، جنگ قادسیه، استیلاء بر مدائن کسری در عراق و فارس، جنگ جمل و جنگ صفین؛ او در جنگ صفین به سال ۳۷ (ه.ق) کشته شد.»<sup>۲</sup>

همین نام یعنی هاشم بن عتبة بن الوقاص در کتابهایی نظیر فوج البلدان<sup>۳</sup> و اختیار معرفة الرجال<sup>۴</sup> نیز آمده است.

### سندیت عهدنامه

بحث سندشناسی یک سند تاریخی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که باید سند از جوانب گوناگون در این باب بررسی گردد. لکن همانطور که اشاره شد، طومار مذکور، رونوشت متن عهدنامه است و سند اولیه عهدنامه در دست نمی‌باشد، از این روی فقط به بررسی مستند بودن عهدنامه در ذیل پرداخته می‌شود.

در باره مستند بودن این عهدنامه و یا اثبات عدم آن همان بس که در بسیاری از کتب تاریخی و غیر تاریخی که نام برخی از آنها در پاورقی ذکر شده است،<sup>۵</sup> اشاره‌ای به عقد این عهدنامه از سوی حضرت علی علیه السلام با مسیحیان نشده است.

در کتاب نهج البلاغه اشاره‌ای به عهدنامه و پیمانهایی که حضرت علی علیه السلام با مالک بن حارث اشترنخعی<sup>۶</sup> - در زمانی که والی مصر شد- و با قبیله ربیع و اهل یمن<sup>۷</sup> و یا با محمد بن ابوبکر<sup>۸</sup> - هنگامی که حکومت مصر به او واگذار گشت- شده است، لکن در این کتاب ارزشمند هیچ اشاره‌ای به عقد عهدنامه موجود نیست.

شایان ذکر است که با پژوهشی که در شناخت سند این عهدنامه انجام گرفت، به مواردی برخوردیم که این عهدنامه را مجعول و منسوب به حضرت علی علیه السلام می‌دانند! بنابراین در اینجا شایسته است که به این موارد اشاره گردد؛ ابتدا به مواردی که از سوی دانشمند بزرگ - علامه قزوینی - در کتاب بیست مقاله و تحت عنوان «عهدنامه مصنوعی» نوشته شده است، می‌پردازیم؛ او می‌گوید: «در حاشیه عهدنامه شهادت نه نفر از شهود<sup>۹</sup>، به خط خودشان مسطور است که نام هیچکدام از آنها را نتوانستم در کتب تواریخ یار جال پیدا کنم و معلوم می‌شود همه از مجاهیل و گویا از موظفان جزو ولایات بوده‌اند و یک کدام از آنها از علماء یا معاریف نبوده‌اند که به مناسبتی ذکری از آنها در کتب شده باشد».

سپس در جای دیگری از کتاب نقل می‌کند: «وضع انشاء سست، ثقیل و مبهم آن با انشاء محکم، موجز و روان حضرت امیر در نهج البلاغه از زمین تا آسمان فرق دارد».

همچنین اشاره می‌کند: «در اول عهدنامه، از جمله رؤسای نصاری که (به زعم واضع) برای عقد این معاهده خدمت حضرت امیر علیه السلام آمدند، اسم دو نفر از آنها

را «عاقب» و «سید» می‌شمرد؛ چنانکه نزد همه کس معلوم است، «عاقب» و «سید» نام دو نفر از رؤسای نصارای نجران بوده‌اند در یمن، که در سال دهم هجرت از جانب هم کیشان خود به خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمدند و حضرت رسول با خواست با ایشان مباحله نماید و سپس با ایشان معاهده بست،<sup>۱۰</sup> خوب حالا عیناً باز هم همان دو نفر در این عهدنامه که در مشهد ذی الکفل در سال چهل از هجرت

(۱) دایرة المعارف الشیعة العامه، علامه حایری، ج

۱۸، ص ۳۷۹

(۲) اعیان الشیعة، محسن امین، ج ۱۰، ص ۲۵۰

(۳) فوج البلدان، بلاذری، ص ۱۶۰

(۴) اختیار معرفة الرجال، حسن بن علی الطوسی،

ص ۳۰۳

(۵) در مورد شناخت مستند بودن عهدنامه به

کتبی مانند: الکامل، تاریخ طبری، فوج البلدان، نهج

البلاغه، اعیان الشیعة، مناقب آل ابی طالب، امام

علی بن ابی طالب و غیره مراجعه گردید، ولی در

هیچ کدام مطلبی دال بر انعقاد این عهدنامه یافت

نشد.

(۶) نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام، ص ۹۹۱

(۷) همان منبع، ص ۱۰۷۸

(۸) همان منبع، ص ۸۸۶

(۹) اسامی شهود در قسمت تحشیه طومار آمده

است که از سوی علامه قزوینی به منظور

دستیابی به تاریخ زندگیشان مورد بررسی قرار

گرفته، لکن مطلبی در این ارتباط یافت نشده

است.

(۱۰) جهت اطلاع بیشتر به کتب: الوثائق، محمد

حمید الله، ص ۱۳۶ و فوج البلدان، بلاذری،

ص ۷۷ مراجعه شود.

اسقفها و راهبها برای انجام امور مذهبی و غیره؛ تعدد این امتیازات از جانب حضرت، قابل تأمل می‌باشد. مطلب دیگری که در این عهدنامه به چشم می‌خورد و می‌تواند انگیزه جعل عهدنامه باشد، این است که واضع عهدنامه، رعایت مفاد آن را تا روز قیامت و تا پایان دنیا بر ذمه حضرت علی علیه السلام و تمام مسلمین قرار داده است.

اکنون در ادامه بحث به مواردی اشاره می‌شود که می‌تواند دلیل نسبت دادن این عهدنامه به حضرت علی علیه السلام از سوی واضع باشد:

بقول اکثر مورخان، کاتب «عهدنامه نجران» که مابین حضرت رسول صلی الله علیه و آله و نصاری آن ناحیه در سال دهم هجرت منعقد شد، خود حضرت امیر بوده است، پس واضع عهدنامه نیز از این موضوع باخبر بوده و از موقعیت حضرت علی علیه السلام در میان نصاری استفاده می‌کند و این عهدنامه را به حضرت علی علیه السلام نسبت می‌دهد.

واضع عهدنامه محل انعقاد عهدنامه را «دیر حزقیل» معرفی می‌کند و همانگونه که سابقاً نیز گفته شد، این دیر از محل های اطراف کوفه است، و این مطلب نیز مشخص است که پایتخت خلافت حضرت امیر علیه السلام شهر کوفه بوده است، و تمام خلفای قبل از حضرت در مدینه

تمام مواردی که ذکر شد از سوی علامه قزوینی در اثبات جعلی بودن عهدنامه ابراز شده بود.<sup>۱</sup>

در مقاله ای تحت عنوان عهدنامه حضرت علی علیه السلام با مسیحیان نوشته دکتر محسن جعفری مذهب در اثبات جعلی بودن این عهدنامه به موارد دیگری اشاره ای شده است که شامل نکات زیر می‌باشد:

برخلاف نامه های منسوب به آن زمان، شهود در پایان سند بر آن صحه ننهاده اند.

پاتریک (بطریق) نسطوریان در مداین در این زمان «مارجیورجیس» بود که در سال ۳۷ هـ ق ۹۷۲ یونانی به رهبری رسید و در سال ۵۶ هـ ق ۹۹۲ درگذشت و در مداین به خاک سپرده شد و عجیب که نامی از او در این سند نیست.<sup>۲</sup>

با اندکی تأمل در متن عهدنامه می‌توان تا حدی به انگیزه جعل عهدنامه و نیز نسبت دادن عهدنامه به حضرت علی علیه السلام واصل شد، به این ترتیب که در متن عهدنامه مشاهده می‌شود که:

حضرت امیر علیه السلام آزادی و امتیازات بسیاری را به نصاری داده است که برخی از این امتیازات عبارتند از: امنیت، وفا و راستی بین مسلمانان و مسیحیان، در ذمه اسلام قرار گرفتن مسیحیان، رسیدن خیر و نیکی به آنها از سوی مسلمانان، عدم آزار و اذیت ایشان از جانب مسلمین، آزاد بودن در ساختن دیر، کلیسا و صومعه، آزاد بودن سیاحان مسیحی، نواختن ناقوسها بدون هیچ مزاحمتی، عدم پذیرش اسلام به زور و اجبار، حراست خون و جان و مال نصاری از سوی مسلمانان، گرفتن مال از بیت المال بدون عوض، آزاد بودن

(کمازعمرا) بسته شده است، تکرار می‌شود و فوراً این سؤال به ذهن می‌آید که آیا این «عاقب» و «سید» ذی الکفل عین همان «عاقب» و «سید» نجران بوده اند یا غیر اینها؟ اگر عین آنها بوده اند، با آنها که حضرت رسول صلی الله علیه و آله سی سال قبل معاهده بسته، دیگر دوباره معاهده بستن با حضرت امیر علیه السلام برای چه مقصود و به چه علت بوده است؟»

پس از آن مؤلف به بعضی از اغلاط نحوی و صرفی و حتی املائی عهدنامه اشاره می‌کند که ذکر این نکات بدلیل تعدد بسیار در حوصله بحث نمی‌گنجد. سپس با اشاره به صلح نجران می‌گوید: «واضع، بعضی عبارات عهدنامه نجران را عیناً در عهدنامه حاضر تکرار کرده است، مثل: «ولا یغیر أسقف عن أسقفیه و لا راهب عن رهبانیة و لا نصرانی عن نصرانیة و لا سائح عن سیاحه»

علامه قزوینی در خصوص کاتب عهدنامه نیز اضافه می‌کند: «قطع نظر از تخیلی که واضع این عهدنامه در نام جد کاتب نموده و آن را «الوقاص» نوشته بجای «أبی الوقاص» (با اضافه آبی و بدون الف و لام)، تاریخاً محال است که «هاشم بن عتبة بن أبی الوقاص» بتواند کاتب این عهدنامه در سال چهل از هجرت باشد، زیرا که «هاشم» مذکور به اجماع مورخان بلا خلاف و بلا استثناء در سال سی و هفت در واقعه صفین در جزو اصحاب حضرت امیر علیه السلام شهید شد، پس کسی که در سال ۳۷ هـ ق.) شهید شده است، چگونه ممکن است که در سال چهل هجرت زنده باشد و این عهدنامه را به خط خود نوشته باشد؟»

۱) بیست مقاله، علامه قزوینی، ج ۱،

ص ۱۳۱-۱۴۱

۲) عهدنامه حضرت علی (ع) با مسیحیان. دکتر

محسن جعفری مذهب، کتاب ماه تاریخ و

جغرافیا، شماره ۱۰، ص ۳



است، و اگر هم جعلی و منسوب به حضرت علی علیه السلام باشد، باز شایسته تحقیق و پژوهش می‌باشد. این مقاله نیز کوشید تا با معرفی عهدنامه مزبور در ظل تحقیقاتی که به عمل آمده بود، نظرات گوناگون را از سوی افراد مختلف در این باب انعکاس دهد.

کاظم زاده،<sup>۳</sup> «جزوه دو فرمان از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام»: ل. میناسیان، رئیس موزه کلیسای واتک اصفهان؛ این جزوه شامل ترجمه فارسی دو فرمان مذکور است.

«عهدنامه حضرت علی علیه السلام با مسیحیان»: دکتر جعفری مذهب مسؤول کانون اسناد در کتابخانه ملی،<sup>۴</sup> همانگونه که در ابتدای مقاله گفته شد، این عهدنامه یک نسخه خطی چند صد ساله است و در زمره آثار فرهنگی کشورمان رقم خورده

اقامت داشتند؛ پس واضح است که بواسطه نزدیکی محل انعقاد عهدنامه با کوفه، واضح فقط می‌توانسته این عهدنامه را به حضرت امیر علیه السلام نسبت دهد نه به خلفای قبل از او.<sup>۱</sup>

اکنون به ذکر عناوین مقالاتی می‌پردازیم که در ارتباط با «طومار» و «عهدنامه» مطالبی نگاشته‌اند.

«عهدنامه منسوب به حضرت علی علیه السلام در موزه چهلستون»: عبدالحسین سپنتا،<sup>۲</sup> اشیاء مقدسه اصفهان: مرحوم

#### منابع:

- آثار ملی اصفهان: ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، تهران، انتشارات اعجاز آثار ملی ایران، ۱۳۵۲ هـ ش.
- اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی: الحسن بن علی الطوسی، دانشگاه مشهد، دانشکده الهیات، ۱۳۴۸ هـ ش.
- اشیاء مقدسه اصفهان: مجله ایرانشهر، شماره ۷، سال ۱۳۰۵ هـ ش.
- الأعلام: خیر الدین زرکلی، ناشر بی‌نام، بی تا.
- أعيان الشيعة: سید محسن أمين، بیروت - لبنان، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ هـ ق / ۱۹۸۳ م.
- امام علی بن ابی طالب علیه السلام: عبدالفتاح عبدالمقصود، ترجمه سید محمد مهدی جعفری، انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۳ هـ ش.
- بیست مقاله: علامه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، بمبئی، انجمن زرتشتیان بمبئی، ۱۳۰۷ هـ ق / ۱۹۲۸ م.
- تاریخ طبری المعروف بتاريخ الرسل و الملوک: محمد بن جریر الطبری، بیروت، لبنان، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ هـ ق.
- تعلیم خط: حبیب الله فضایی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۳ هـ ش.
- دائرة المعارف الشيعية العامة: شیخ محمدحسین الأعلمی العائری، بیروت - لبنان، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۳ هـ ق / ۱۹۹۳ م.
- دو فرمان از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام: ل. میناسیان، اصفهان، چاپخانه داد، ۱۳۷۶ هـ ش.
- عهدنامه حضرت علی علیه السلام با مسیحیان: تهران، انتشارات گلر، ۱۳۷۸ هـ ش.
- عهدنامه حضرت علی علیه السلام با مسیحیان: دکتر محسن جعفری مذهب، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۰، ۱۳۷۹ هـ ش.
- عهدنامه منسوب به حضرت علی علیه السلام در موزه چهلستون اصفهان: عبدالحسین سپنتا، ماهنامه وحید، شماره ۹.
- فتوح البلدان: بلاذری، مصر، مکتبه النهضة المصرية، بی تا.
- الکامل فی التاريخ: معز الدین ابن اثیر، بیروت - لبنان، دار صادر، ۱۳۸۵ هـ ق / ۱۹۶۵ م.
- لغت نامه دهخدا: علی اکبر دهخدا، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ هـ ش.
- مناقب آل ابی طالب: ابو جعفر محمد بن علی بن شهر آشوب سروی مازندرانی، بیروت - لبنان، دار الأضواء، ۱۳۷۴ هـ ش.
- نهج البلاغه: ترجمه و شرح حاج سید علینقی فیض الاسلام، تهران، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۳ هـ ش.
- الوثائق: محمد حمید الله، ترجمه محمد مهدوی دامغانی، قم، مکتبه الشهدید الصدر، ۱۳۶۳ هـ ش.

(۱) دو موردی که اشاره شد، برگرفته از سخنان

علامه قزوینی در کتاب بیست مقاله می‌باشد.

(۲) ماهنامه وحید، شماره ۹، ص ۲۰ و شماره ۱۰،

ص ۵۸

(۳) مجله ایرانشهر، شماره ۷، ص ۴۲۸

(۴) کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۰، ص ۳